

## بررسی و تحلیل نظریه مقامات پیامبر ﷺ در مکتب بریلوی (احمد رضا خان بریلوی)

سیدمهدی علیزاده موسوی

### چکیده

احمد رضا خان بریلوی (۱۸۵۶-۱۹۲۱ م) بنیانگذار بزرگ‌ترین مکتب فکری در مذهب حنفی ماتریدی در شبه‌قاره است. این مکتب که به سبب انتساب به احمد رضا بریلوی مکتب بریلوی نامیده می‌شود، گوی سبقت را در شبه‌قاره (هند، پاکستان و بنگلادش) از نظر تعداد پیروان از سایر رقیب‌ها ربوده و دامنه نفوذ آن حتی به آفریقا و اروپا رسیده است. مهم‌ترین ویژگی این مکتب که آن را از رقیب اصلی آن، مکتب دیوبند، جدا می‌کند، دیدگاه آن به مقامات و جایگاه پیامبر ﷺ و پس از آن اهل بیت علیهم‌السلام و مقامات صوفیه است.

در این پژوهش نگاه بریلویان به جایگاه پیامبر ﷺ در مسائلی، مانند خلقت نوری، علم غیب پیامبر ﷺ و نظریه حاضر و ناظر، تبیین و سپس به نزاع بریلویان با دیوبندیان در این حوزه اشاره شده است. با بررسی آموزه‌های مکتب بریلوی، می‌توان گفت که مهم‌ترین اختلاف میان مکتب بریلوی و رقیب اصلی آن مکتب دیوبندی، نگاه هر یک به مقامات پیامبر گرامی اسلام است. در حالی که مکتب بریلوی دایره مقامات پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بسیار وسیع می‌داند و رویکرد حداکثری دارد، مکتب دیوبند، رویکرد حداقلی دارد. همچنین شخص احمد رضا خان با سرودن اشعار مختلف اوج ارادت خود را به ساحت پیامبر اسلام نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: بریلوی، مقامات پیامبر ﷺ، خلقت نوری، علم غیب، حاضر و ناظر.

## مقدمه

یکی از مکاتب مهم حنفی ماتریدی شبه‌قاره مکتب بریلوی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم با احمد رضا خان بریلوی (۱۸۵۶-۱۹۲۱م) آغاز شد. این مکتب امروزه از نظر جمعیت گوی سبقت را از رقبای خود در هند و پاکستان ربوده است. نفوذ فکری این جریان حتی از مرزهای جغرافیایی شبه‌قاره فراتر رفته و به سایر نقاط جهان اسلام، از جمله افریقا، اروپا و مناطق دوردست آسیا، نیز کشیده شده است.

مکتب بریلوی از طرفی به شدت مخالف مکتب دیوبند و وهابیت است و از طرف دیگر سایر فرقه‌های مذهبی از جمله شیعه را نفی می‌کند. به همین سبب نیز با سایر فرق و مذاهب اسلامی و حتی هم‌مسلمان حنفی و ماتریدی خود تعامل و هم‌گرایی ندارد. بنابراین رویکرد غالب در این اندیشه نداشتن تعامل با دیگر مذاهب و تکفیر آنان است؛ اما این تکفیر صرفاً در حوزه نظر باقی مانده و به حوزه عمل کشیده نشده و رویکرد افراطی و خشونت‌گرایانه میان پیروان این مکتب کمتر دیده شده است.<sup>۱</sup> نگاه تمامیت‌خواه این گروه هنگامی بیشتر مشخص می‌شود که آنان خود را نه بریلوی بلکه «اهل سنت و جماعت» می‌نامند و به این ترتیب دیگران را از ذیل این عنوان خارج می‌کنند. (2008, p. 60, Arshad Alam)

در این میان اگر بپذیریم که مکاتب فکری معمولاً برابر بحران‌های زمان خود به وجود می‌آیند، مکتب بریلوی را می‌توان واکنشی به مکتب دیوبند برشمرد. مکتب دیوبند بر اساس آموزه‌های شاه ولی‌الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ق) و فرزندش شاه‌عبدالعزیز دهلوی (۱۱۵۹-۱۲۳۹ق) در سال ۱۸۸۶ میلادی به دست مولوی محمد قاسم نانوتوی (۱۸۳۳-۱۸۸۰م) و تعدادی از همفکرانش

۱. البته در سال‌های اخیر این جریان فکری به افراط‌گرایی کشیده شده است که مهم‌ترین مصداق آن حزب تحریک لبیک یا رسول‌الله به رهبری خادم حسین رضوی است.

در روستای دیوبند در ایالت اوترپرادش هند با ایجاد مدرسه دارالعلوم تأسیس شد. گرایش‌های سلفی و مخالفت با آموزه‌هایی همانند توسل و مولدالنبی ﷺ، سبب شده است که این گروه در ردیف جریان‌های سلفی طبقه‌بندی شوند. البته هرچند برخی کوشیده‌اند که این مکتب را به دو جریان حیاتی (قائل به حیات پیامبر ﷺ پس از مرگ) و مماتی (قائل به ممات پیامبر ﷺ) و در نتیجه ناتوانی در پاسخگویی به درخواست‌ها) تقسیم کنند، جریان مماتی بر این اندیشه غالب است.<sup>۱</sup>

سؤال این است که تا چه اندازه اتهامات احمدرضاخان به مکتب دیوبند صحیح است و آیا انحراف این مکتب آن اندازه هست که بتوان آن را تکفیر کرد و حتی معامله و ازدواج با آن را حرام شمرد. پاسخ به این سؤال نیازمند نگاه دقیق به مبانی فکری مکتب دیوبند و کم‌وکیف ایراداتی است که احمدرضاخان و اتباع او متوجه این مکتب می‌کنند.<sup>۲</sup>

اما میان اختلافاتی که احمدرضاخان با دیوبندیان و در اصل با وهابیان دارد، قانونی‌ترین اختلاف نوع نگاه هر یک به پیامبر اکرم ﷺ و پس از ایشان ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و سپس مشایخ صوفیه از قبیل سیدعبدالقادر گیلانی و مشایخ بریلوی است. اگر مکتب بریلوی را در قالب گفتمان<sup>۳</sup> تصور کنیم، دال مرکزی<sup>۴</sup> آن جایگاه پیامبر ﷺ و مقامات ایشان است و همین ویژگی بیش از همه مرزهای مکتب بریلوی را تعریف می‌کند.<sup>۵</sup> چنان‌که خواهد آمد، به عقیده احمدرضا و

۱. برای آشنایی با مکتب دیوبند، ر.ک: علیزاده موسوی، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ.

۲. احمدرضاخان و سایر علمای مکتب بریلوی آثار بسیاری را در موضوعات مختلف علیه مکتب دیوبندی نگاشته‌اند که مجموعه آنها در پایگاه اطلاع‌رسانی اعلیحضرت وجود دارد:

[www.alahazrat.com](http://www.alahazrat.com).

3. Discourse

4. Central point

۵. البته در مباحث توحید مانند امکان کذب برای خداوند نیز چالش‌هایی جدی میان دیوبندی‌ها و بریلوی‌ها وجود دارد.

اتباع وی، دیوبندی‌ها مهم‌ترین جفا و بی‌مهری را به ساحت پیامبر اکرم ﷺ کرده‌اند و به همین سبب مستحق کفر و ارتدادند.<sup>۱</sup> احمد رضا خان و پیروان او رسالت خود را مقابله با دیدگاه‌های دیوبندیان دانسته و مهم‌ترین مناسک و شعائر مکتب خود را حول همین کانون قرار داده‌اند. همچنین نگاه ویژه به پیامبر ﷺ و پس از ایشان به سایر بزرگان دین سبب شده است که بریلویان به آموزه‌هایی از قبیل مولدالنبی ﷺ، سماع موتی، توسل، زیارت، بنا بر قبور و استغاثه، که وهابیان به شدت و مکتب دیوبندی تا حدودی با آن مخالفانند، اعتقاد داشته باشند و حتی در قیاس با سایر فرق اسلامی رویکرد حداکثری به این آموزه‌ها اتخاذ کنند. در مجموع به نظر می‌رسد هر گونه تلاشی برای شناخت مکتب بریلوی بدون توجه به نگرش آنان به پیامبر اکرم ﷺ و پس از آن اولیای الهی راه به جایی نخواهد برد.

البته احمد رضا خان سخن گفتن درباره پیامبر اکرم ﷺ را دشوارترین اعمال می‌داند و آن را به راه رفتن بر لبه تیز شمشیر تشبیه می‌کند که اگر زیاده گفته شود، با مقام الوهیت خداوند متعال تعارض خواهد داشت و اگر کوتاهی شود، گناهی نابخشودنی است (بریلوی، ۴۳۳ق، ص ۸).

## خلقت نوری پیامبر ﷺ<sup>۲</sup>

نخستین گام در شناخت پیامبر اکرم ﷺ خلقت ایشان است. به عقیده احمد رضا خلقت پیامبر ﷺ از نور است که کیفیت آن را در قالب چند فتوا<sup>۳</sup> می‌آورد:

۱. در صفحات آینده به اختلافات خواهیم پرداخت.

۲. احمد رضا در این زمینه چند رساله از جمله *قمر التمام فی نفی الظل عن سید الانام ﷺ*، *نفی الفیء عن استنار بنوره کلی شیء و هدی الحیران فی نفی الفیء عن شمس الاکوان* و ...

۳. البته همان‌گونه که هویداست، این پرسش‌ها فقهی نیست که بتوان بر آنها استفتاء یا فتوا نام نهاد، بلکه چون معمولاً در فتاوی رضویه آمده و احمد رضا خان نیز در قالب فتوا نظر داده است، تسامحاً از عنوان استفتاء و فتوا استفاده می‌شود.

نخست به عقیده وی پیش از هر چیز خداوند نور<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ را آفرید و از نور او آسمان‌ها، زمین، عرش، کرسی و خلایق دیگر را آفرید. وی این دیدگاه خود را به روایتی طولانی از احمد بن حنبل مستند می‌کند که بر اساس حدیث منسوب به پیامبر اکرم ﷺ نخستین چیزی که خدا آفریده، نور ایشان بوده و از نور ایشان همه چیز خلق شده است (بریلوی، ۲۰۱۲م، ص ۴۲-۵۱). وی قائل است به اینکه حتی اگر این حدیث ضعیف باشد، نقل زیاد آن در منابع گوناگون ضعف سندی آن را جبران می‌کند (همان، ۲۰۱۲م، ص ۵۱).

دوم، وی در پاسخ به استفتایی دیگر شقوق مختلف کیفیت نور بودن پیامبر ﷺ را این‌گونه توضیح می‌دهد: کدام‌یک از این تفاسیر صحیح است؟ زید: بر فرض صحت حدیث، این حدیث در زمره متشابهات است. عمرو: این نور از ذات خداوند منفک شده است.

بکر: مثال آفرینش پیامبر ﷺ از نور خدا همانند روشن کردن شمع با آتش شمع دیگر است که موجب کم‌فروغ شدن شمع اول نمی‌شود. (همان، ۲۰۱۲م، ص ۵۲).

احمد رضا نظریه عمرو مبنی بر اینکه نور پیامبر ﷺ از نور ذات خداوند جدا شده است را کاملاً باطل می‌شمارد؛ چراکه خداوند منزّه است از اینکه چیزی از ذاتش منفک شود. نظریه زید که می‌گوید این حدیث بر فرض صحت از متشابهات است، از نظر او بوی انکار می‌دهد و این جهل و نادانی است؛ چراکه محدثان آن را صحیح دانسته‌اند. البته به عقیده او چون خداوند و پیامبر ﷺ توضیح بیشتری درباره آن نداده‌اند، می‌توان گفت این حدیث در زمره متشابهات است؛ اما نظریه بکر، که تشبیه به شمع است، تا حدودی صحیح است که در صورت روشن کردن شمع دیگر، چیزی از شمع اول جدا و منفک نمی‌شود. البته این صرفاً تشبیهی برای فهم مطلب است؛ والا هزاران هزار بار ناقص‌تر از اصل مطلب است (همان، ۲۰۱۲م، ص ۵۱).

۱. وی نور را با استناد به برخی مانند غزالی «الظاهر بنفسه و مظهره لغيره» معنا می‌کند (بریلوی، ۲۰۱۲م، ص ۵۹).

سوم، به عقیده احمد رضا نور پیامبر ﷺ متخذ از ذات خداست، نه صفات وی؛ چراکه در حدیث آمده است: «خلق من نوره»، نه «خلق من نور جماله» یا «نور علمه» یا «نور رحمته» (همان، ۲۰۱۲م، ص ۶۰). البته وی تأکید می‌کند که مراد از نور ذاتی این نیست که نور خداوند ماده‌ای است که نور پیامبر ﷺ از آن باشد (مانند خاک برای آفرینش انسان) یا جزئی از نور خدا باشد؛ چراکه خداوند منزله از جزئیت و تفکیک است؛ اما کیفیت این آفرینش بر این عالم پوشیده است، چراکه خود حضرت فرمودند: «لم يعرفنی حقیقة غیر ربی» (همان، ۲۰۱۲م، ص ۷۰-۷۱).

به عقیده وی این نور ویژگی‌هایی نیز دارد: نخست، هرچند در حدیث آمده است که نور پیامبر ﷺ تقسیم شد، مراد همان جدایی نور از شمع است که در آن ضعفی ایجاد نمی‌کند. دوم، خلائق اعم از مؤمنان و کافران همه از تجلیات نور بهره‌مندند؛ اما کافر و مشرک مانند مکان کثیف و نجس است؛ یعنی نور می‌تابد، ولی آنها استعداد استفاده از آن را ندارند. سوم، همان‌گونه که در مرتبه وجود ذات، خداوند به‌تنهایی هست و بقیه موجودات تجلیات وجود اویند، در مرتبه ایجاد، ذات مصطفی ﷺ به‌تنهایی هست و باقی همه تصویر فیضان وجود اویند. نور احمدی ﷺ خورشید در مرتبه تکوین است و همه عالم آینه اوست. (همو، ۲۰۱۲م، ص ۷۲). وی همچنین با استناد به احادیث متعدد معتقد است که پیامبر اکرم ﷺ هیچ‌گاه سایه نداشته است، چه در روز زیر نور خورشید و چه در شب زیر نور ماه (همان، ۲۰۰۵م).

جالب آنکه چنین دیدگاهی در نامگذاری مساجد و مراکز مذهبی بریلوی‌ها نیز اثرگذار بوده است؛ برای نمونه بسیاری از مساجد آنها در پاکستان و هندوستان با نام‌هایی نزدیک به معنای نور مانند روشنایی، قمر، بدر، شمع و منار نامگذاری شده است.

## علم غیب

علم غیب پیامبر اکرم ﷺ و حدود و ثغور آن یکی از مهم‌ترین نزاع‌های احمد رضاخان بریلوی و وهابیت و مکتب دیوبند است. چنین به نظر می‌رسد که در نگاه احمد رضاخان دیوبندی‌ها و بریلوی‌ها در دو متتالیه یک بردارند؛ چنان‌که دیوبندی‌ها علم پیامبر ﷺ را به اندازه علم سایر انسان‌ها می‌دانند، اما بریلوی‌ها علمی فراگیر برای حضرت قائل‌اند.

به عقیده احمد رضا، پیامبر اکرم ﷺ نه تنها بر همه عالم آفرینش علم و اشراف تفصیلی دارد، بلکه آنچه در لوح و قلم ثبت است و آنچه در آخرت روی خواهد داد تا ورود انسان‌ها به بهشت و دوزخ و منازل آنها در آنجا را می‌داند. همچنین پیامبر ﷺ از ذات و صفات خدا آن قدر می‌داند که جز خداوند کسی به آن آگاه نیست. آنچه در لوح محفوظ است، تنها جزئی از علم پیامبر ﷺ است (همو، ۲۰۰۱م، ص ۶۷).

### ۱. علم ذاتی و علم اعطایی

احمد رضاخان میان وهابیان نجد و دیوبندی‌ها به شدت با این اتهام روبه‌رو بود که وی علم پیامبر ﷺ را هم‌ردیف علم خداوند می‌داند و گرفتار غلو شده است. به همین سبب وی علم را به دو بخش ذاتی و اعطایی تقسیم می‌کند: نوع اول به خداوند اختصاص دارد و اگر کسی قائل باشد به اینکه بخشی از این علم به دیگری واگذار شده است، کافر و مشرک است. بخش دوم نیز به بندگان خدا اختصاص دارد و کسی اگر ذره‌ای از آن را به خدا نسبت دهد، کافر و مشرک است (همان، ۲۰۰۱م، ص ۳۹).

وی سپس با تقسیم علم به علم مطلق و مطلق علم می‌گوید علمی که به خدا اختصاص دارد، علم ذاتی و علم مطلق تفصیلی است که بر اساس استغرای حقیقی بر همه معلومات الهی احاطه دارد. بر این اساس خداوند متعال به تفصیل

بر همه چیز عالم است: ﴿وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾. (احزاب: ۴۰) همچنین علم خداوند بر همه چیز احاطه دارد: ﴿وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾ (نساء: ۱۲۶)، و هیچ کس بر همه علم او آگاه نیست.

همچنین همه مسلمانان علم مطلق اجمالی دارند و اگر چنین نباشد، مسلمان نیستند؛ برای نمونه همه اجمالاً می‌دانند بهشت و جهنم وجود دارد، اما کیفیت آن را تفصیلاً نمی‌دانند. این نیز نوعی علم به غیب اما از نوع علم مطلق اجمالی است.<sup>۱</sup>

در این میان با توجه به شایستگی‌های بندگان و جایگاه آنها و اراده خداوند، هر کس بهره‌ای از علم خداوند دارد، اما این بهره هرگز به معنای آگاهی به همه علم الهی نیست؛ چه در بالاترین حالت، قطره‌ای از هزاران قطره در هزاران هزار دریاست. البته این مثال نیز ناقص است؛ چون دریاها متناهی‌اند و نمی‌توان این تمثیل را تا بی‌نهایت ادامه داد. بنابراین تفاوت علم خدا و دیگران تفاوت متناهی و نامتناهی است (همان، ۲۰۰۱م، ص ۴۴).

به نظر می‌رسد چنین تأکیداتی در پاسخ به اتهاماتی است که وی در خصوص علم پیامبر ﷺ با آنها روبه‌رو بود. البته پس از نگارش این اثر حملات پایان نیافت و دشمنان وی همچنان او را به غلو در حق پیامبر ﷺ متهم می‌کردند. خود نیز در صفحات بعد به این نکته اشاره می‌کند که با وجود تأکید همه علمای اسلام بر مساوی نبودن علم پیامبر ﷺ با علم خداوند، و هابیان همچنان علما را متهم به شرک و کفر می‌کنند (همان، ۲۰۰۱م، ص ۵۴).

در مجموع به عقیده احمد رضا علمی که برای بندگان ثابت است، علم اعطایی است، خواه این علم مطلق اجمالی باشد که همه از آن بهره‌مندند و خواه علم مطلق تفصیلی باشد که خداوند اولیایش را به آن توصیف کرده است.<sup>۲</sup> آیاتی

۱. برای آگاهی از تعریف احمد رضا خان از این دو نوع علم، ر.ک: بریلوی، ۲۰۰۱م، ص ۳۹-۴۶.

۲. علم اجمالی مانند این که اجمالاً می‌دانیم بهشت و جهنم وجود دارد، اما تفصیلاً چگونه است، نیاز به علم تفصیلی دارد. به گفته وی هر مؤمنی علم غیب اجمالی نیز دارد. چون تصدیق می‌کند که قیامتی وجود ←



مانند ﴿وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾ (زاریات: ۲۸)، ﴿وَإِنَّهُ لَدُوْعٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ﴾ (یوسف: ۶۸)، ﴿وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف: ۶۵) و ﴿وَ عَلَّمَكُمَا مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُونَ﴾ (نساء: ۱۱۳) نشان می‌دهد که خداوند به بندگانش خاص خود علم عطا کرده است.

بنابراین در نگاه احمد رضا علم غیب تنها به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص ندارد، بلکه بسیاری از اولیا و اقطاب صوفیه نیز با توجه به جایگاه معنوی‌شان درجه‌ای از علم غیب را داشته‌اند. مستندات احمد رضاخان برای این ادعا نیز آرای علما به‌ویژه عرفا در این عرصه است<sup>۱</sup> (همو، ۲۰۱۴م، ص ۱۲-۱۵).

وی سپس می‌گوید که وهابیان برای فرار از مشکل گفته‌اند که پیامبر ﷺ به صورت محدود و در زمان‌های خاص از غیب خبر می‌داد و این اخبار به غیب صرفاً معجزه حضرت بوده است (همو، ۲۰۰۱م، ص ۶۳).

وی به‌شدت به وهابیان دهلی از جمله رشید احمد گنگوهی و سید اسماعیل دهلوی حمله می‌کند و می‌گوید کلام آنها بر خلاف نص قرآن و احادیث صحیح است و سخن آنها «کلمة حق یراد بها الباطل»<sup>۲</sup> است؛ به این معنا که علم پیامبر ﷺ با نزول قرآن کامل شد؛ چون نزول قرآن تدریجی بود و زمانی که در بسیاری از آیات به علم نداشتن پیامبر ﷺ اشاره شده، قرآن هنوز کامل بر پیامبر ﷺ نازل نشده بود. (همان، ۲۰۰۱م، ص ۶۴). به عقیده وی بر فرض هم اگر این آیات از نظر تاریخی بعد از نزول قرآن آمده بوده، با توجه به آیات صریح درباره علم پیامبر ﷺ، باید حمل بر این شود که یا خداوند به دلایل مشخصی نمی‌خواست پیامبرش در این زمینه سخنی بگوید یا مسائل مهم‌تری وجود داشته که پیامبر ﷺ به آنها مشغول بوده است.

→ دارد و خداوند صفات جلاله دارد، بنابراین علم غیب اجمالی وجود دارد. همان. احمد رضاخان بریلوی،

المادة الغیبیة فی الدولة المکیة، ص ۴۶.

۱. هرچند احمد رضاخان در کتاب الدوله به آیات و روایات اشاره کرده است، اما مشروح آن را در رساله الانبیا

المصطفی بحال سر و اخفی آورده است. در الفتاوی الرضویه ص ۴۸۷-۵۱۰.

۲. نهج البلاغه: خطبه ۴۰.

## دلایل

احمد رضا خان پس از تقسیم علم به ذاتی و اعطایی، که عبارت دیگر همان علم استقلالی و غیر استقلالی است، دلایل اثبات علم فراگیر برای پیامبر ﷺ را به سه دسته تقسیم می‌کند: آیات، روایات و آرای مفسران، محدثان و سایر علمای بزرگ. به عقیده او علم غیب پیامبر ﷺ با همان عرض و طول مد نظر او برگرفته از کتاب و سنت است. وی به تفصیل به روایاتی اشاره می‌کند که از طریق صحابه نقل شده و در آنها پیامبر اکرم ﷺ درباره علم خود در مسائلی از قبیل خبر از آغاز آفرینش تا ورود به بهشت و جهنم و منازل ساکنان آنها، خبر از «ما کان و ما هو کائن»، بیان حوادث عالم به صورت تفصیلی، آگاهی از آسمان‌ها و زمین و شرق و غرب عالم و خبر از هر پرنده‌ای در عالم که پرواز می‌کند، اظهار نظر کرده است (همان، ۲۰۰۱م، ص ۶۹-۷۱). وی سپس به آرای محدثانی درباره این روایات اشاره می‌کند که این روایات را نشانه علم غیب حداکثری پیامبر ﷺ شمرده‌اند. (همان، ۲۰۰۱م، ص ۷۳). آیاتی که وی به آنها استناد می‌کند، آیاتی اند که قرآن را شامل همه علوم می‌دانند (همو، ۲۰۱۴م، ص ۴۷۸-۴۹۲)؛ مانند ﴿وَتَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۱۸۹)،<sup>۱</sup> و ﴿مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَ لَكِن تَصَدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (یوسف: ۱۱۱) و ﴿مَا قَرَرْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (انعام: ۳۸).

وجه استدلال احمد رضا به این آیات این است که در قرآن همه علوم آمده و از آنجا که قرآن بر پیامبر ﷺ نازل شده، پیامبر ﷺ نیز همه این علوم را دارد؛<sup>۲</sup>

۱. احمد رضا بحث مفصلی در مورد معنای کتاب دارد که آیا مراد از کتاب، قرآن است یا عالم آفرینش و یا لوح محفوظ. وی تلاش دارد که ثابت کند که مراد همین قرآنی است که بر پیامبر گرامی اسلام نازل شده است: ماده الغیبیه... ص ۷۶-۸۱.

۲. برای آشنایی بیشتر با استدلال قرآنی علم غیب پیامبر گرامی اسلام ﷺ نزد بریلویان، ر.ک. اختر رضا، علم مصطفی، ص ۳۶-۴۸. وی در این کتاب به تفصیل به علم غیب سایر پیامبران در قرآن پرداخته و سپس به تفسیر آیاتی می‌پردازد که علم غیب فراگیر را برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ ثابت می‌کند.

برای نمونه «تبیان» به معنای بیان است و «شیء» نیز شامل هر چیزی می‌شود. بنابراین همه موجودات «از فرش تا عرش و از شرق تا غرب، از ذوات و حالات و حرکات و سکناات و لحظات و خطرات و ارادات و غیر آن را در بر می‌گیرد» (همان، ۲۰۰۱م، ص ۷۵). وی سپس به تفصیل نظرات صحابه، مفسران و محدثان را درباره جامعیت قرآن در علوم آورده است (همان، ۲۰۰۱م، ص ۷۶-۸۱).

## ۲. مغیبات خمس

هنگامی که احمدرضا کتاب *المادة الغيبية في الدولة المكية* را تألیف کرد، آن را برای بسیاری از علما فرستاد و از آنها خواست در تأیید آن تقریظی بنویسند. یکی از این افراد شیخ احمد برزنجی حسینی (م. ۱۳۳۲ق) مفتی شهر مدینه بود. برزنجی نه تنها کتاب احمدرضا را تأیید نکرد، بلکه اشکالاتی بر آن گرفت؛ از جمله گفت که به تصریح قرآن پیامبر ﷺ بر غیب‌های پنج‌گانه اشراف ندارد: **﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾** (لقمان: ۳۴). بر اساس این آیه علم به زمان قیامت، نزول باران، جنین در رحم مادران، خبر از آینده، و محل مرگ فقط مخصوص خداست.

برزنجی نقدهای خود را در قالب کتاب کوچکی به نام *غایة المأمول فی تتمه منهج الوصول فی علم الرسول* منتشر کرد. او به انکار غیب‌های پنج‌گانه برای پیامبر اکرم ﷺ اکتفا نکرد و دلایل اصلی احمدرضاخان برای اثبات علم فراگیر رسول خدا ﷺ را نیز نقد کرد. وی در این کتاب با استفاده از آرای برخی مفسران و محدثان اولاً «ما فرطنا» را شامل علم اجمالی و علم تفصیلی دانست و ثانیاً کتاب را نه قرآن، که لوح محفوظ معرفی کرد (برزنجی، ۱۴۳۱ق، ص ۱۵-۱۹).

البته احمدرضاخان مدعی است که کتاب *غایة المأمول* به دست وهابیان

تحریف شده و برزنجی جز در مغیبات خمس در سایر جاها با او هم نظر بوده است (بریلوی، ۲۰۰۱م، ص ۱۱). احمد رضا خان پس از بازگشت از سفر حج پاسخ وی را در قالب جزوه‌ای تهیه کرد که اکنون به ضمیمه *الدولة* چاپ شده است (همان، ۲۰۰۱م، ص ۱۱۹-۱۱۸).

احمد رضا خان نخست ماهیت آیه را از باب مدح می‌داند و می‌گوید که خداوند خودش را در این آیه ستوده است و ذکر برای مدح نشانه تخصیص نیست. وی آیاتی را نیز در مقام شاهد ذکر می‌کند (همان، ۲۰۰۱م، ص ۹۲-۹۳). او سپس چنین استدلال می‌کند که شکی نیست که مسائلی از قبیل صفات، قیامت و ذات خدا غیب‌هایی است که خداوند آنها را در این آیه ذکر نکرده است؛ در حالی که این مسائل از مسائل ذکر شده به مراتب مهم‌ترند؛ زیرا قرآن ناظر به شرایط و محیط آن زمان مسائل را ذکر کرده است؛ به این معنا که در آن زمان کفار و ساحران مدعی بودند که به این مسائل علم دارند و خداوند به همین سبب این مسائل به خصوص را ذکر کرده است تا نشان دهد ساحران و مدعیان دروغین چنین علومی ندارند (همان، ۲۰۰۱م، ص ۹۴-۹۷).

وی سپس حدیثی را که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است و علم به این پنج مسئله را به خدا اختصاص می‌دهد، خبر واحد می‌داند که برابر عموم آیات مثبت علم پیامبر ﷺ ارزشی ندارد و از طرف دیگر خبر واحد در عقاید اعتبار ندارد (همو، ص ۹۶). وی در ادامه به تفصیل روایاتی را ذکر می‌کند که در آنها پیامبر ﷺ از این غیوب خبر داده و نشان می‌دهد پیامبر اکرم ﷺ از این غیب‌ها آگاه بوده است.

### ۳. نزاع احمد رضا و دیوبندیان در علم غیب

آرا و نظرات برخی بزرگان مکتب دیوبند آن‌چنان بر احمد رضا خان گران آمده است که او آنان را متهم به شرک، کفر، ارتداد و بسیاری صفات رذیله دیگر کرده است؛ همچنین او معتقد است هر کس آنان را کافر و مشرک و مرتد

نشمارد، همانند آنان خواهد بود. بر این اساس حکم ازدواج با آنان، ذبیحه آنان، مجالست و گفت‌وگو با آنان، و سایر امور مانند معاملات همان حکم مرتدان است (همو، ۲۰۰۶م، ص ۵۲). برخی محورهای ناظر به علم پیامبر اکرم ﷺ که موجب اختلاف وی با دیوبندیان شده، عبارت است از:

#### الف) تساوی علم پیامبر ﷺ با سایر انسان‌ها و حتی بهائم

آنچه احمد رضاخان و پیروان او را به شدت برانگیخته، نظرات اشرف علی تهانوی<sup>۱</sup> یکی از بزرگان مکتب دیوبند است. تهانوی در استفتائی درباره امکان اطلاق علم غیب به پیامبر اکرم ﷺ چنین پاسخ می‌دهد:

چنین اطلاقی جایز نیست، هرچند همراه تأویل باشد؛ زیرا غیب مطلق در اطلاقات شرعیه دلیلی ندارد و وسیله‌ای برای فهم آن نیز وجود ندارد... اگر اطلاق علم غیب بر پیامبر ﷺ با تأویل جایز باشد، باید بتوان به غیر خدا، خالق، رازق، مالک و معبود گفت و یا بتوان با تأویل از خداوند نفی علم غیب کرد؛ مانند اینکه خداوند به واسطه و بالعرض عالم به غیب نیست، اما آیا فرد عاقل و متدین حاضر است به چنین چیزی ملتزم شود؟ هرگز. همچنین اگر اطلاق علم غیب بر ذات پیامبر گرامی اسلام ﷺ صحیح باشد، چنین سؤال می‌شود که مراد از علم غیب چیست؟ آیا مراد همه افراد علم غیب است یا بعضی از آنها؟ اگر مراد بعضی از علوم غیبی باشد که اختصاص به پیامبر ﷺ ندارد؛ چراکه علم به بعضی از علوم غیبی هرچند کم باشد، برای زید و عمرو بلکه برای هر کودک و دیوانه‌ای و حتی برای همه حیوانات وجود دارد؛ چراکه هر کدام از آنها چیزی را می‌دانند که دیگری نمی‌داند. بنابراین اگر سائل اجازه دهد که عالم غیب بر کسی اطلاق شود که بعضی از مسائل غیبی را می‌داند، مستلزم آن است که جایز بداند اطلاق آن را بر سایر اموری که ذکر شد و در چنین صورتی دیگر این

۱. برای آشنایی با اشرف علی تهانوی، رک: علیزاده موسوی، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، ص ۱۲۳.

مسئله کمالی برای پیامبر ﷺ شمرده نمی‌شود؛ زیرا دیگران نیز در آن مشارکت دارند و اگر ملتزم به این مسئله نشود، باید فارق میان این بعض را بیان کند که چنین چیزی بر فرد امکان ندارد (فتوای احناف، ۲۰۲۰).

احمد رضا خان به شدت به اشرف علی تهانوی می‌تازد که چگونه علم پیامبر اکرم ﷺ را با بهائم و زید و عمرو یکسان تلقی می‌کند؛ در حالی که میان آنها تفاوت بسیار است (بریلوی، ۲۰۰۹م، ص ۲۲۹). وی اشرف علی تهانوی را از بزرگان شیاطین و هابیت می‌شمارد (همان، ۲۰۰۹م، ص ۲۲۹) و از واژه‌هایی مانند ملعون، خبیث و ملحد درباره او استفاده می‌کند.

احمد رضا خان، عبارات تهانوی را در کتاب *حسام الحرمین* برای علمای حرمین فرستاد و موجب شد علمای حرمین از دیوبندی‌ها مستقیماً استفسار کنند. از جمله سهارانپوری در پاسخ، عبارت‌های علمای دیوبند را چنین توجیه می‌کند که آنان اعلمیت پیامبر اکرم ﷺ بر همه خلایق و علم به صفات و ذات و شریعت را قبول دارند، اما امکان دارد که پیامبر ﷺ بر همه جزئیات در همه زمان‌ها اشراف نداشته باشد و این عدم اشراف نشانه نقصان یا نقض اعلمیت ایشان نیست؛ برای نمونه هدهد در قصه حضرت سلیمان علیه السلام به وی خبری را می‌دهد که ایشان در آن حضور ذهن ندارد (سهارانپوری، ۱۴۲۵ق، ص ۷۰).

### ب) علم پیامبر ﷺ و فرشتگان و شیطان

احمد رضا خان معتقد است دیوبندیان فرشتگان و شیطان را اعلم از پیامبر اکرم ﷺ می‌شمارند. وی به این جملات رشید احمد گنگوهی<sup>۱</sup> استناد می‌کند:<sup>۲</sup>

وسعت علم برای شیطان و ملک الموت (عزرائیل) با نصوص ثابت شده است؛ اما درباره وسعت علم پیامبر اکرم ﷺ کدام نص قطعی وجود دارد تا بتواند با همه

۱. برای آشنایی با رشید احمد گنگوهی، ر.ک: علیزاده موسوی، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، ص ۱۲۰-۱۲۵.

۲. البته پیش از او سید اسماعیل دهلوی در کتاب *تقویة الایمان* علم غیب پیامبر ﷺ را کاملاً نفی کرده بود.

نصوص مذکور مقابله کند؟ و آیا اعتقاد به عدم علم غیب پیامبر ﷺ شرک است؟ خیر، چنین نیست (گنگوهی و امبیتوی، بی تا، ص ۱۲۲).<sup>۱</sup>

به عقیده امبیتوی و گنگوهی:

هنگامی که نصوص قطعی و فراوان درباره وسعت علم غیب شیطان و ملک الموت در قرآن و سنت داریم و در مقابل نصی درباره علم غیب پیامبر ﷺ نداریم، همه دلایل شرک منکر علم غیب پیامبر اکرم ﷺ رد می شود. بنابراین بالاتر بودن روح پیامبر اکرم ﷺ در اعلیٰ علین دلیل نمی شود که پیامبر ﷺ علمش از ملک الموت بیشتر باشد یا حتی هم تراز وی باشد (گنگوهی، امبیتوی، بی تا، ص ۱۲۲).

این دیدگاه به شدت احمد رضا خان بریلوی و سایر بریلویان را برانگیخته است؛ به گونه ای که احمد رضا خان امبیتوی را وهابی شیطانی و پیرو ابلیس لعین، و گنگوهی را کذاب شمرده است. وی همچنین این مسئله را ایمان به علم ابلیس و کفر به علم پیامبر اکرم ﷺ تعبیر کرده است (بریلوی، ۲۰۰۱م، ص ۲۲۶). سهارانپوری این دیدگاه گنگوهی و امبیتوی را همانند بالا توجیه می کند که مراد، علم به برخی جزئیات است و علم به جزئیات هرگز به معنای اعلمیت نیست، والا کسی اگر به اعلمیت شیطان از پیامبر اکرم ﷺ اعتقاد داشته باشد، کافر است (سهارانپوری، ۱۴۲۵ق، ص ۷۱-۷۳).

اما با وجود تمام توجیحات دیوبندیان در توضیح دیدگاه های رهبران فکری خود، واقعیت این است که در مجموع آنان علم غیب پیامبر ﷺ را بر نمی تابند و در صورت پذیرش نیز از جنبه اعجاز و نه فضیلت و به صورت موردی و نه جامع به آن می نگرند. چنین رویکردی از دوران عبدالحق دهلوی، سپس سید اسماعیل دهلوی و پس از وی امبیتوی، گنگوهی و تهانوی کاملاً هویدا است.

۱. رشید احمد گنگوهی، البراهین القاطعة علی ظلام الانوار الساطعة، ص ۱۲۲. البته گویا این کتاب را خلیل احمد امبیتوی نگاشته و رشید احمد گنگوهی بر آن تقریظ کاملی نوشته و آن را اثر کاملی معرفی کرده است. بر روی کتاب نام خلیل احمد نیامده و صرفاً نوشته شده: به امر رشید احمد گنگوهی.

در دوران معاصر نیز با نگاهی به فتاوی دارالعلوم دیوبند چنین رویکردی به خوبی مشخص است. به گفته آنان، علم غیب صرفاً به خداوند متعال اختصاص دارد و نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ یا هر کس دیگری شرک است. البته خداوند پیامبر ﷺ را به برخی امور عالم کرده است که نباید آن را علم غیب شمرد، بلکه باید آن را اعجاز و به صورت موردی داشت (دارالافتاء دارالعلوم، فتاوی شماره ۴۲۸۲۸).

بنابراین به نظر می‌رسد آنچه سهارانپوری در *المهند* آورده، بیشتر برای جلوگیری از تکفیر دیوبندی‌ها توسط علمای حرمین است، نه اعتقاد قلبی و واقعی دیوبندی‌ها.

#### ۴. ارزیابی دیدگاه علم غیب احمد رضا

شکی نیست که ادعای احمد رضا خان بریلوی درباره علم غیب پیامبر ﷺ کاملاً حداکثری است که ابعاد و حدود و ثغور آن در ذهن آدمی نمی‌گنجد و هر چند وی کوشیده است آن را علمی اعطایی و متناهی معرفی کند، ادبیاتی که به کار می‌برد، ناخودآگاه یادآور علم الهی است. با این حال خود بارها متذکر می‌شود که مراد وی هرگز تساوی یا نامتناهی بودن علم پیامبر ﷺ نیست. در این میان مهم‌ترین مخالفان احمد رضا خان در این عرصه نیز وهابیان، دیوبندیان و اهل حدیث شبه‌قاره‌اند. به گفته احمد رضا، دیوبندیان چهار اتهام درباره علم غیب به وی زده‌اند که صحت ندارد و بهتان است: نخست، علم پیامبر ﷺ ذاتی است و اعطایی نیست. دوم، علم پیامبر ﷺ مساوی علم خداوند متعال است. سوم به جز ذات و صفات الهی، پیامبر ﷺ به همه چیز آگاه است. چهارم، علم پیامبر ﷺ نامتناهی است (بریلوی، ۲۰۱۴م، ص ۷). احمد رضا خان این موارد را اتهام و بهتان دشمنان خود شمرده و در *خالص الاعتقاد* به آنها پاسخ داده است.

با این حال به نظر می‌رسد احمد رضا خان به جای آنکه بیشتر بر مبانی علمی تکیه کند و نظریه خود را از نظر علمی مستند و فربه سازد، بیشتر با ادبیات هیجانی



و در قالب اشعار<sup>۱</sup> به آن پرداخته است. توهین، ناسزا و در نهایت تکفیر مهم‌ترین ابزاری است که احمدرضا برابر مخالفان به کار می‌برد؛ اما از نظر علمی مهم‌ترین اثر همان *المادة الغیبیة فی الدولة المکیة* است که قریب هفتاد صفحه است و بخش بزرگی از آن نیز تکرار مباحثی است که وی در سال‌های گذشته در قالب فتاوا نگاشته و بعدها به صورت کتاب (جزوه) منتشر شده است. وی در رساله *خالص الاعتقاد* که شصت صفحه است، آیاتی را که نافی علم فراگیر پیامبر ﷺ است، ذکر کرده و به هر یک در قالب چند خط به صورت بسیار اجمالی پاسخ داده است.

با مراجعه به آثار اخلاف احمدرضا نیز مستندات جدیدی مشاهده نشد و همان ادبیات هیجانی و رمی به کفر و ارتداد دیده شد. این در حالی است که ادعای علم غیب فراگیر پیامبر اکرم ﷺ با توجه به احادیث و آیاتی که مخالفان خلاف آن ارائه می‌کنند، نیازمند مطالعات رجالی، درایی، فقهی، تفسیری، تاریخی و نظایر آن است؛ اما همان‌گونه که گفتیم، در ادبیات بریلویان به حداقل‌ها بسنده شده است.<sup>۲</sup> همچنین هرچند در آثار احمدرضاخان به آرا و نظرات مفسران، محدثان، متکلمان و عرفا در اثبات علم غیب اشاره شده است، بخش بزرگی از این آرا صرفاً به اصل علم غیب پیامبر ﷺ اشاره کرده‌اند، اما به تفصیل - به‌ویژه آن‌گونه که احمدرضاخان ادعا می‌کند - درباره آن اظهار نظر نکرده‌اند. وانگهی میان این علما نیز آرای عرفا و صوفیه ظهور بیشتری دارد. همچنین سرایت علم غیب به بزرگان صوفیه و عرفا به‌ویژه سید عبدالقادر گیلانی از اغراق‌هایی است که میان بریلوی‌ها و شخص احمدرضاخان دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

با این حال تعبیر اعظم و بزرگان دیوبندی در محدودیت و تقلیل علم پیامبر اکرم ﷺ نیز که بیشتر برگرفته از *تقویة الایمان* سید اسماعیل دهلوی است

۱. به اشعار وی در صفحات آینده اشاره خواهد شد.

۲. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه بریلویان، ر.ک: غلام فرید رضوی، *ازالة الريب عن عقيدة علم الغیب*؛ محمد انور

قمر شریقوری، *حضور رسالت مآب کا علم غیب (علم غیب پیامبر اکرم ﷺ) و...*

۳. ر.ک: احمدرضاخان بریلوی، *خالص الاعتقاد*.

(همان گونه که احمد رضا خان می گوید)، نوعی اهانت به ساحت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ﷺ تلقی می شود.

### حاضر و ناظر

یکی دیگر از اختلافات مهم بریلویان با دیوبندیان و وهابیان، انگاره «حاضر و ناظر» است؛ به این معنا که بریلویان پیامبر اکرم ﷺ را در هر جا و در هر زمان نه تنها حاضر بلکه ناظر بر اعمال، رفتار، سکناات و حرکات همه اجزای عالم می دانند. البته آنان تأکید می کنند که مراد از این حضور و نظارت حضور فیزیکی حضرت نیست، بلکه نور وجودی و روح معنوی آن حضرت است که در قالب مثالی جسم حضرت قرار گرفته و در همه جا حاضر و ناظر است و این قدرت برای اولیای الهی و اهل معرفت وجود دارد که ایشان را به چشم سر در حال بیداری مشاهده کنند (قادری، ۲۰۰۳م، ص ۷۱).

آموزه حاضر و ناظر ارتباط مستقیمی با دیدگاه بریلویان درباره علم غیب پیامبر ﷺ دارد؛ چه اشراف علمی حضرت بر همه اجزای عالم حضور و نظارت حضرت را در پی دارد. از نگاه آنان انگاره حاضر و ناظر تنها به پیامبر ﷺ اختصاص ندارد، بلکه اولیای الهی به ویژه اقطاب صوفیه نیز چنین قدرتی دارند و طبق نقل بسیاری از منابع صوفیه، مریدان حضور و نظارت شیخ و پیر خود را پس از مرگ نیز احساس می کنند (نعیمی، ۲۰۰۳م، ص ۱۳۱). در نگاه آنان، پیامبر ﷺ شاهد خلق حضرت آدم، اخراج از بهشت و توبه او و شاهد آفرینش شیطان و ماجراهای او بوده است (همان، ۲۰۰۳م، ص ۱۱۹). احمد یارخان نعیمی، از بزرگان بریلوی، نخست چنین استدلال می کند که چگونه ممکن است شیاطین و اجنه امکان حضور در اماکن فراوان در زمان واحد را داشته باشند، اما پیامبر اکرم ﷺ که شأن و مقام و قدرتش از همه آنها بیشتر است، چنین توانی نداشته باشد؟ (همان، ۲۰۰۳م، ص ۱۲۳). وی مفهوم حاضر و ناظر را چنین تعریف می کند:

معنای شرعی حاضر و ناظر این است که صاحب قدرت قدسی می‌تواند جهان را مانند کف دستش ببیند و صداها را از دور و نزدیک بشنود و در یک لحظه گرد عالم طواف کند و به گرفتاران کمک کند و به کسانی که او را می‌خوانند، پاسخ دهد (همان، ۲۰۰۳م، ص ۱۲۰).

بر اساس این تعریف، نظریه حاضر و ناظر صرفاً به پیامبر ﷺ اختصاص ندارد و از آنجاکه اولیای الهی از نگاه بریلویان دارای قدرت قدسی‌اند، آنان نیز حاضر و ناظرند.

آنها برای اثبات مدعای خود به آیات مختلفی<sup>۱</sup> از جمله ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup> استدلال کرده‌اند. از این آیه اجمالاً چنین استفاده کرده‌اند که مقتضای ﴿رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ بودن ارتباط و تعامل نزدیک با همه عالمیان است و بنابراین باید پیامبر ﷺ حاضر و ناظر باشد (قادری، ۲۰۰۳م، ص ۷۱-۷۳). آنان پیامبر ﷺ را روح کائنات معرفی کرده‌اند که بدون حضور و نظارت او هیچ ذره‌ای زنده نمی‌ماند و فیض او باید به همه برسد. آنان از این ویژگی به «حقیقت محمدیه» تعبیر می‌کنند (همان، ۲۰۰۳م، ص ۷۲). آنان همچنین به تشهد نماز اشاره می‌کنند که در آن گفته می‌شود: «السلام علیک ایها النبی...». این خطاب نشانه آگاهی او از سلام ماست و بنابراین نشانه حضور ایشان است (همان، ۲۰۰۳م، ص ۷۳).

آنان افزون بر قرآن به روایاتی از قبیل «من رأنی فی المنام فیرانی فی الیقظة» استناد می‌کنند و از آن برای اثبات رؤیت رسول خدا ﷺ در حالت بیداری توسط اولیا و اقطاب خود استفاده می‌کنند. به گفته آنان برای نمونه شیخ صفی هرگهری هر لحظه که اراده می‌کرده، می‌توانسته پیامبر اکرم ﷺ را در بیداری زیارت کند (همان، ۲۰۰۳م، ص ۱۰۸). همچنین از ابی‌العباس مرسی نقل می‌کنند که وی گفته

۱. احزاب: ۴۶؛ بقره: ۱۴۳؛ نساء: ۴۱؛ توبه: ۱۲۸؛ نساء: ۶۴؛ انفال: ۳۳؛ انعام: ۷۵.

۲. انبیاء: ۱۰۷.

است: من با هیچ کس جز رسول خدا مصافحه نکرده‌ام یا گفته است اگر لحظه‌ای پیامبر ﷺ از نظرم محو شود، خود را از طایفه مسلمان نمی‌شمرم. بریلویان این حضور را حضور فیزیکی حضرت البته در قالب بدن مثالی می‌شمارند (همان، ۲۰۰۳م، ص ۱۰۷). حدیث دیگر حدیث شب معراج است که پیامبر ﷺ در آن واحد در اماکن گوناگون همراه پیامبران ﷺ حضور داشته است (همان، ۲۰۰۳م، ص ۱۰۹).

در مجموع از نگاه آنان پیامبر ﷺ نور است<sup>۱</sup> که همه جهان تحت نظارت و حضور اوست<sup>۲</sup> و می‌تواند در آن واحد در مکان‌های فراوان حضور داشته باشد (کاظمی، بی تا، ص ۸۳). البته علمای بریلوی کوشیده‌اند برای دیدگاه‌های خود از مفسران، محدثان به‌ویژه بزرگان صوفیه و عرفا شواهدی ذکر کنند.<sup>۳</sup>

در این میان وهابیان، دیوبندی‌ها و اهل حدیث مهم‌ترین مخالفان بریلوی‌ها در موضوع حاضر و ناظرند. احسان الهی ظهیر به‌شدت به این دیدگاه بریلوی‌ها حمله کرده و با اشاره به آیاتی که به حضور پیامبر ﷺ در مکان‌های و زمان‌های مشخص تصریح می‌کنند و آیاتی که حضور پیامبر ﷺ را در امکانه مشخص نفی می‌کنند، دیدگاه بریلویان را به چالش کشیده است (الهی ظهیر، ۱۹۸۳م، ص ۱۰۶-۱۱۲).

حتی اگر به جریان حیاتی در میان دیوبندیان قائل باشیم، آنان نیز چنین گستره‌ای را برای حضور پیامبر ﷺ بر نمی‌تابند. احمد یار خان، از علمای بریلوی، کوشیده است به بخشی از این انتقادات پاسخ دهد.<sup>۴</sup> (نعیمی، ۲۰۰۳م،

۱. آنان در آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» نور را وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ می‌شمارند

(کاظمی، تسکین الخواطر فی مسئله الحاضر و الناظر، ص ۸۳).

۲. آنان آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا\* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» را

دلیل بر ادعای فوق می‌دانند. (همو، بی تا، ص ۸۵). آنها از این آیه استفاده می‌کنند که پیامبر ﷺ نه تنها بر تمام

دنیا بلکه بر تمامی مخلوقات اشرف و نظارت دارد.

۳. ر.ک: سیداحمد سعید کاظمی، تسکین الخواطر فی مسألة الحاضر و الناظر و محمد عنایت الله قادری، حاضر و

ناظر رسول، احمد یار خان نعیمی، جاء الحق.

۴. وی به ده انتقاد از این نظریه پاسخ داده است.

ص ۱۳۴-۱۴۱)

همچنین احمد رضا خطاب به وهابیان، که مرادش جمیع مخالفان دیوبندی و اهل حدیث اوست، می‌گوید: «گریه کنید ای وهابیان. پیامبر ﷺ حاضر و ناظر است و در عالم هیچ اتفاقی نمی‌افتد، مگر آنکه پیامبر اکرم ﷺ از آن آگاه است و آن را می‌بیند. او در هر مکانی حاضر است و هر چیزی را می‌بیند» (بریلوی، ۲۰۱۴م، ص ۴۶).

چنین دیدگاهی در شکل معماری و آداب و رسوم بریلوی‌ها نیز اثر گذاشته است؛ برای نمونه آنان خلاف سایر مذاهب اسلامی به شدت به تزئین و زیبایی محراب مساجد مقیدند و گرانبهاترین سنگ‌ها و زیورآلات را در مساجد به‌ویژه محراب به کار می‌برند و گاه مخارج تزئین محراب از مخارج بنای کل مسجد بیشتر می‌شود. تزئین محراب مساجد در این اندیشه ریشه دارد که پیامبر ﷺ در همه جا حضور دارد و مهم‌ترین این مکان‌ها محراب مساجد است.

### ارزیابی نظریه حاضر و ناظر

همان‌گونه که گفتیم، انگاره حاضر و ناظر ارتباط مستقیمی با مسئله علم غیب دارد؛ به این معنا که اگر علم غیب پیامبر ﷺ و بزرگان دین پذیرفته شود، آموزه حاضر و ناظر بودن نیز پذیرفتنی است؛ اما اینکه دامنه حضور و نظارت تا چه اندازه است، به فراگیری علم غیب ایشان بستگی دارد. در مجموع علم غیب پیامبر اکرم ﷺ برای همه مسلمانان به جز وهابیان، اهل حدیث و گروهی از دیوبندیان ثابت است و اختلاف در حدود و ثغور آن است. همین وضعیت در مسئله حاضر و ناظر بودن نیز وجود دارد. در این میان مشکل اساسی این نظریه سرایت آن به دیگران است. با نگاهی به آثار بریلویان، می‌بینیم که آنان حاضر و ناظر بودن را به‌سادگی به بسیاری از اقطاب صوفیه و حتی افراد نه‌چندان مشهور نسبت می‌دهند؛ مانند اینکه فلانی جهان را روی ناخن انگشت خود می‌بیند یا پرده‌ها برابر چشمان فلان عارف کاملاً کنار

رفته و شاهد و ناظر بر جهان است. در این میان هنگامی که بحث به غوث اعظم (سید عبدالقادر گیلانی) می‌رسد،<sup>۱</sup> بسیار اوج می‌گیرد و گاه احساس می‌شود مقام او نزد آنان از اهل بیت علیهم‌السلام نیز بالاتر است. (ر.ک: بریلوی، ۲۰۱۴م/ب) چنین ادبیاتی است که مسئله حاضر و ناظر در مکتب بریلوی را با مباحث غالبانه صوفیه پیوند می‌زند. بزرگان بریلویه نیز از چنین رویکردی پرهیز نداشته‌اند و بخش بزرگی از مستندات خود در مسئله حاضر و ناظر را به منابع صوفیه و عرفا اختصاص داده‌اند. چنین وضعیتی سبب شده است حتی عوام بریلویه پس از مرگ رهبران محلی خود برای آنان چنین مقاماتی قائل شوند و نوعی عوام‌زدگی میان آنان حاکم شود.

### نعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

احمد رضا خان افزون بر نویسنده‌ای پرکار شاعری توانمند نیز بوده که به سه زبان اردو، فارسی و عربی شعر سروده است. وی افزون بر اثبات علم غیب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ویژگی‌هایی که برمی‌شمرد، در مدح و منقبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز طبع آزمایی کرده است. مجموعه اشعار وی با عنوان *حادثات بخشش جمع‌آوری* شده است. محتوای این مجموعه مناجات، مدح بزرگان دین و اقطاب و بزرگان صوفیه و برخی دوستان و استادان وی مانند پدرش و آل رسول ماره‌روی است. در این میان بخش بزرگی از اشعار *حادثات بخشش* مدایح و استمدادهای احمد رضا خان از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ اشعاری که عمدتاً به زبان اردو و بخشی

۱. گاه اشعاری در وصف سید عبدالقادر گیلانی گفته می‌شود که بسیار مبالغه‌آمیز است:

سگ دربار میران شو چو خواهی قرب ربانی..... که بر شیران شرف دارد سگ دربار جیلانی

یا

غوث اعظم در میان اولیا .... چون محمد در میان انبیا

یا

پیر پیران میر میران ای شه جیلان تویی .... انس جان قدسیان و غوث انس و جان تویی

به نقل از: چودھری نور احمد مقبول نقشبندی، اولیاء اللہ سی توسل اور استمداد بعد از وصال (توسل به اولیای

خدا و استمداد از آنها بعد از مرگ)، ص ۶.

نیز به فارسی و عربی است. افزون بر مدح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مدح ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و بسیاری از بزرگان صوفیه به‌ویژه سیدعبدالقادر گیلانی یا همان غوث اعظم نیز در این مجموعه موجود است.

میان اشعاری که احمدرضاخان درباره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سروده، قصیده نوریه، قصیده معراجیه و قصیده سلام مصطفی جان (سلامیه) معروف است؛ چنان‌که شعر سلام مصطفی جان در بسیاری مراسم خصوصاً جشن‌های ولادت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوانده می‌شود. احمدرضا در شعر اردو طبعی روان دارد و بسیاری از ادبا نیز به پیشواز شعرهای او رفته‌اند. وی همچنین ۳۷ بیت در مدح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به زبان عربی دارد<sup>۱</sup> و تعدادی را نیز به زبان فارسی سروده است.<sup>۲</sup>

### نتیجه

با بررسی آموزه‌های مکتب بریلوی می‌توان گفت که مهم‌ترین اختلاف این مکتب و رقیب اصلی‌اش مکتب دیوبندی نگاه هر یک به مقامات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. در حالی که مکتب بریلوی دایره مقامات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بسیار وسیع می‌داند

۱. برای آشنایی با کیفیت ادبی و محتوای اشعار مدح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به زبان عربی، رک: سعید، ۲۰۰۳، ص ۳۷-۵۷.

۲. رک: بریلوی، حقائق بخشش. برای نمونه، بخشی از یکی از اشعار فارسی وی در مدح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و استمداد از ایشان عبارت است از:

به کار خویش حیرانم اغثنی یا رسول‌الله  
 پریشانم پریشانم اغثنی یا رسول‌الله  
 ندارم جز تو ملجائی ندانم جز تو مأوایی  
 تویی خود ساز و سامانم اغثنی یا رسول‌الله  
 شها بی‌کس نوازی کن طبیباً چاره‌سازی کن  
 مریض درد عصبانم اغثنی یا رسول‌الله  
 نرفتم راه بینایان فسادم در چه عصبان  
 بیا ای حبل رحمانم اغثنی یا رسول‌الله  
 گنه بر سر بلا بارد دلم درد هوا دارد  
 که داند جز تو درمانم اغثنی یا رسول‌الله  
 اگر رانی و گر خوانی غلامم، انت سلطانی  
 دگر چیزی نمی‌دانم اغثنی یا رسول‌الله  
 سگ کهف رحمتم پرور ز قمطیرم منه کمتر  
 سگ درگاه سلطانم اغثنی یا رسول‌الله

(بریلوی، ۱۴۳۳ق، ص ۳۶۶-۳۶۸).

و رویکردی حداکثری دارد، مکتب دیوبند رویکردی حداقلی دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ در نگاه احمد رضا خان بریلوی و پیروانش در خلقت نوری، علم غیب فراگیر پیامبر ﷺ و حضور حضرت در تمامی ممکنه و ازمنه عالم - که از آن به نظریه حاضر و ناظر تعبیر می‌شود - متبلور است. همین ویژگی‌ها نیز سبب شده است اختلافات مکتب بریلوی و دیوبندی به شدت افزایش یابد؛ تا آنجا که احمد رضا دیوبندیان را رمی به کفر و ارتداد کند. اما جدا از آنکه احمد رضا خان و اتباع وی در دلایل این مقامات چندان عمیق بحث نکرده‌اند، مهم‌ترین مشکل آنان سرایت این مقامات به اقطاب صوفیه و حتی افراد نه‌چندان معروف است. همچنین اشعار احمد رضا خان در کتاب *حداثق* بخشش در تبیین ادبی این مقامات بررسی شدنی است.



## منابع

۱۱. \_\_\_\_\_، (۲۰۱۴م/الف)، انباء المصطفی بحال سر و اخفی، مجلس رضا، لاهور.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۵م/الف)، العطايا النبوية في الفتاوى الرضويه، رضا فاندیشن، کراچی.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۵م/ب)، قمر التمام فی نفی الظل عن سيد الانام، در فتاوی الرضويه، ج ۱۹، رساله ۹.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۲۰۱۲م)، علم مصطفی ﷺ، لاهور، چاپ چهارم.
۱۵. دهلوی، سیداسماعیل (۱۴۱۷ق)، رساله التوحيد (ترجمه عربی تقوية الايمان)، مترجم: سیدابوالحسن ندوی، مجمع الملک فهد للطباعة المصحف الشريف، مدینہ منورہ.
۱۶. رضوی، غلام فرید (بی تا)، اثبات علم الغیب فی جواب ازالة الريب، مکتبہ سعیدیه رضویہ، لاهور.
۱۷. سعید، محمد مجید (۲۰۰۳م)، شاعر من الهند: دراسة فی دیوان بساطین الغفران، للشاعر الامام احمد رضا خان البریلوی، جامعة صدام للعلوم الاسلامیة، بغداد.
۱۸. سہارانیوری، خلیل احمد (۱۴۲۵ق)، المهند علی المفند، محقق: محمد بن آدم الکوثری، دارالفتح، عمان.
۱۹. شرق پوری، محمد انور قمر (۱۹۹۸م)، حضور رسالت مآب کا علم غیب، ضیاء القرآن، لاهور.
۲۰. علیزادہ موسوی، سید مہدی (۱۳۹۴ش)، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، بوستان کتاب، قم.
۱. بدایونی، فضل رسول و بریلوی، احمد رضا (۲۰۰۱م)، المعتقد المنتقد مع شرحه المستند المعتمد بناء نجاۃ الابد، رضا آکادمی، بمبئی.
۲. برزنجی حسینی، احمد (۱۴۳۱ق)، غایة المأمول فی تمة منهج الوصول فی علم الرسول، دارالمشاریع.
۳. بریلوی، احمد رضا (۱۴۳۳ق)، حدائق بخشش، مکتبہ المدینہ، کراچی.
۴. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۱م/الف)، انباء الحی بان کلامه المصون تبيان لكل شیء (ضمیمہ المادة الغیبیة فی الدولة المکیہ)، رضا آکادمی، بمبئی.
۵. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۱م/ب)، المادة الغیبیة فی الدولة المکیة، محقق: ضیاء المصطفی القصوری، مؤسسہ رضا، لاهور، چاپ اول.
۶. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۵م/الف)، نفی الفیء عمّن استنار بنورہ کلی شیء، دعوت اسلامی، کراچی.
۷. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۵م/ب)، هدی الحیران فی نفی الفیء عن شمس الاکوان، دعوت اسلامی، کراچی.
۸. \_\_\_\_\_، (۲۰۱۲م)، صلاة الصفا فی نور مصطفی، مترجم و محقق: انور احمد خان بغدادی، مرکز البحوث الاسلامیہ، بمبئی، چاپ دوم.
۹. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۶م)، حسام الحرمین علی منحہ الکفر و المین، محقق: محمد اسلم رضا، مؤسسہ رضا، کراچی.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۲۰۱۴م/ب)، خالص الاعتقاد،

۲۱. قادری، محمد عنایت اللہ (۲۰۰۳م)، حاضر و ناظر رسول، محقق: محمود احمد ساقی، نوریہ رضویہ، لاہور.

۲۲. کاظمی، سید احمد سعید (بی تا)، تسکین الخواطر فی مسئلۃ الحاضر و الناظر، کاظمی پبلیکیشن، مولتان.

۲۳. گنگوہی، رشید احمد (بی تا)، البراہین القاطعۃ علی ظلام الانوار الساطعۃ، دارالاشاعت، کراچی.

۲۴. نعیمی، احمد یار خان (۲۰۰۳م)، جاء الحق، قادری پبلیشرز، لاہور.

۲۵. الہی ظہیر، احسان (۱۹۸۳م)، البریلویہ عقائد و تاریخ، ادارۃ ترجمان السنۃ، لاہور. پایگاہ های اینترنتی

۲۶. دارالافتاء دارالعلوم دیوبند، فتوای شماره ۴۲۸۲۸ (علم غیب کی متعلق عقیدہ) در:

<https://darulifta-deoband.com/home/ur/islamic-beliefs/42828>

۲۷. احناف دیجیٹل لائبرری، حفظ الایمان کی عبارت پر شبہ کا جواب، متن استفتاء و پاسخ اشرف علی تھانوی، در:

<http://library.ahnafmedia.com/252-books/al-muhannad-alal-mufannd/2646-swal-20>